

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵ تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

*- صوت ۱۳۴ ادامه ثمره البحث فی اجتماع الأمر و النهی

*- ۲۹۶/۶ وفی کلّ حاله حکمنا فیها بعدم صحه العمل: آیا علم و جهل اینجا دخالتی دارد یا ندارد؟ مثلاً من نمیدانم

نماز در زمین غصبی حرام است. اینجا آیا این نماز من درست است یا نیست؟ می‌فرمایند از ثمرات این بحث این است :

۲۹۶/۶: حالت الف : اگر ما قائل به امتناع بشویم و در نتیجه تعارض بین الدلیلین شدیم. در تعارض یکی از دو دلیل یا هر دو دلیل از حجیت ساقط میشود. اگر دلیل نهی را بر دلیل امر تقدم کردیم یعنی دلیل لا تغضب را بر دلیل صلّ مقدم کردیم دیگر صلّ امر ندارد. در اینجا دیگر چه عالم حکم باشیم و چه جاهل باشیم، چه اینکه منجز باشد و چه اینکه منجز نباشد دیگر فرقی نمیکند و ما اساساً به علم و جهل بر مکلف نداریم، بلکه نگاه ما به وود واقعی این احکام و به جعل واقعی و ملاکات واقعی این احکام است. آیا حرمت و وجوب اینجا جعل شده اند واقعاً؟ می‌گوییم شده اند پس تعارض بین شان هست و اگر ما مقدم کردیم نهی را بر امر دیگر امر وجود نخواهد داشت و ما کاری به علم و جهل شما نداریم.

حالت ب : اگر قائل به عدم امتناع بشویم و قائل به جواز اجتماع بشویم و در نتیجه بگوییم تراحم رخ می‌دهد. چون قائل به جواز هستیم و چون این عمل، عمل عبادی است نمیشود با عملی که حرام است تقرب بجویم. من می‌خواهم این عمل منهی عنه است در حین حال می‌خواهم با این به خدا تقرّب بجویم؟ نمیشود اصلاً قصد قربت اینجا نیاید.

در اینجا علم و جهل موجب تفاوت میشود. در اینجا اگر شما عالم باشید این حرمت آمده و عمل منهی عنه واقع شده نمیتوانید تقرب بجوید. و اگر جاهل به حکم باشید و در حین حال که جاهل فکر میکنید این کار مورد رضایت مولی است، و قصد قربت میکنم چون فکر میکنم مولی راضی است پس قصد قربت آمد و همینکه قصد قربت آمد و امکان آمدن پیدا کرد عمل پذیرفته میشود.

*- اقتضاء وجوب الشیء لحرمة ضده

۲۹۷/۱ وقع البحث فی أنّ وجوب شیء هل يقتضی حرمة ضده ، أو لا؟: این بحث در حلقه ثانیه به طور مفصل شهید بررسی کردند.

بحث در این است که اگر چیزی واجب شد این اقتضاء داشته باشد که ضد آن حرام باشد. اگر نماز واجب شد، ضد نماز حرام باشد.

شهید در حلقه ثانیه گفتند دو نوع ضد داریم ضد عام یا نقیض ، یا ضد خاص یعنی فعل وجودی با چیزی که با هم جمع نمیشود مثل صلاۀ و ازاله مسجد.

و شهید میگوید اصولیون در این اقتضاء وجب الشی لحرمة ضده، سه دیدگاه مختلف دارند:

دیدگاه اول : امر به چیزی عین نهی از ضد عام آن است.

دیدگاه دوم : امر به چیزی این متضمن نهی از ضد آن است به طوری امر به چیزی مرکب از دو امر است یکی طلب آن شی و منع از ترک آن.

دیدگاه سوم : امر به چیزی این ملازمه دارد با حرمت ضدّش.

اما در حلقه ثالثه : بحث در دو مقام بررسی میشود یکی در باب ضد عام و یکی در ضد خاص؛ اولاً ما ببینیم که آیا وجوب یک شی این اقتضاء دارد حرمت ضد عام آن را یا نه اقتضاء دارد؟ ثانیاً آیا وجوب یک شی این اقتضاء دارد حرمت ضد خاص آن را یا نه اقتضاء دارد؟ پس یکی در باب ضد عام و یکی در ضد خاص؛

ضد : یعنی هر چیزی منافات داشته باشد با این امر شما. و این ضد دو نوع است ضد عام و یکی ضد خاص.

ضد عام : نقیض یک شی، صلاۀ ضد عام اش میشود عدم صلاۀ؛ و ضد خاص : فعل وجودی با چیزی که با هم جمع نمیشود مثل صلاۀ و ازاله مسجد. پس ضد خاص امر عدمی نیست بلکه امر وجودی است. البته این ضد خاص نباید هر کاری باشد که مزاحم آن باشد بلکه باید واجب دیگری باشد. مثلاً ازاله واجب دیگری است ولی مثلاً طرف بخوابد و بگوید خب خوابید امر وجودی است و الان مزاحم نماز است پس ضد خاص است ؟ خیر چون خوابیدن اینجا واجب نیست.

اقتضاء : محال بودن ثبوت وجوب چیزی با انتفاء (منتفی بودن) حرمت ضدّش ؛ یعنی مگر میشود خدا نماز را واجب کند و امّا ضدّش را حرام نکند. یعنی اگر خداوند میگوید صلّ در کنارش میگوید لا تترك الصلاة؛ فقط دو سؤال اینکه حکم عقل است یا منصوص الشرعی است این بعداً باید بررسی شود. اما بحث فعلاً روی اقتضاء است و معنای اقتضاء را بررسی کردیم.

*- وقتی میگوید هل اقتضاء وجوب الشی لحرمة ضده ، یعنی هل محال بودن ثبوت وجوب چیزی با انتفاء (منتفی بودن) حرمت ضدّش؛

*- سؤال میشود کدام ضد ، ضد عام یا خاص ؟

این اقتضاء را میشود در سه حالت بررسی کرد: الف: بالدلالة المطابقة ب: بالدلالة التضمنی ج: بالدلالة الالتزامیه؛
خب بررسی ضد عام:

در ضد عام معروف این است که وجوب شی اقتضاء دارد حرمت ضد آن را یعنی ترک آنرا. اما در تحلیل این علماء گفتند
چطور میشود که بگوییم وقتی چیزی واجب شد ضد آن حرام است. - ما داریم از حکم حرمت صحبت میکنیم نه صرفاً یک
مبغوضیتی؛ داریم از حکم حرمت صحبت میکنیم یعنی وقتی جعل شد وجوب یک چیزی جعل میشود حرمت ضدش؛ یعنی
نه اینکه صرفاً بد باشد بلکه حکم صادر شده باشد. -

ما اگر بگوییم این وجوب شی اقتضاء دارد حکم حرمت ضد عام آنرا:

اولاً بررسی این مسأله با الف: بالدلالة المطابقة: برخی گفتن ما با دلالت مطابقیه میفهمیم حکم حرمت ضد آمده است. برای
این ادعا دو توجیه آمده است.

الف-۱- کار نهی چیست؟ دور کردن و ابتعاد است وقتی میگوید هذا حرام یعنی لا تقربوا و عقب برو. وجوب میگوید من
این را از تو میخواهم. اثر اینکه از تو میخواهم یعنی حواست باشد از ترک آن فاصله بگیر. وقتی میگوید نماز را میخواهم یعنی
به سمت ترک نماز نروی. ما می بینیم وقتی چیزی واجب میشود در مقام اثر گذاری بر مکلف اینگونه است همان ابتعاد از
ضد عام یعنی نقیض و ترک ایجاد بشود.

الف-۲- توجیه دیگر این است که بگوییم اساساً نهی یعنی چی؟ یک بحثی مطرح میکنند در بحث اینکه نهی و مدلول نهی
چیست؟ برخی گفتن نهی اگر بخواهد امر عدمی باشد نمیشود بلکه گفتن نهی یعنی طلب ترک. این توجیه بر اساس آن
است.

پس نهی یعنی چی؟ وقتی دارید نهی میکنید در حقیقت دارید طلب میکنید نقیض آنرا. وقتی میگوید انهاک عن الشرب الخمر
یعنی اطلب منك ترک شرب الخمر؛ عبارتی میگوید اطلب منك نقیض شرب الخمر.

پس نهی از عمل میشود نقیض آن عمل. حالا نهی از ترک العمل چه میشو؟ میشود طلب نقیض آن یعنی فعل؛ یعنی وقتی مولا
میگوید لا تترك الصلاة یعنی صل؛ پس اینها عبارت آخری همدیگر هستند؛ پس یک چیزی واجب میشود عبارت آخری آن
نهی از ضد عام آن میشود.

*- ۲۹۷/۵ ویرد علی التوجیه الأول:

ما اینجا دنبال جعل و حکم حرمت هستیم و توجیه اول برای ما جعل ثابت نمیکند.

توجیه ثانی این است که این بازی با الفاظ است؛ ما قبول نداریم معنای نهی این باشد. نهی یعنی زجر و منع و به معنای طلب
نقیض نیست.

۲۹۸/۱ وقد تقدم في بحث دلالة الأمر على الوجوب إبطال دعوى التركب في الوجوب على هذا النحو

*- آیا بدلاله تضمنیه اقتضاء دارد که وجوب شیء حرمت ضد آن را :

در بحث امر در بررسی دیدگاهی که میگفت وجوب مجرد طلب فعل نیست چون طلب فعل در مستحبات هم هست... شهید صدر نظر اونها را رد کردند. در اینجا هم ارجاع میدهند به رد اونجا؛